

## جایگاه بزرگان و ریش سفیدان در تولید امنیت جامعه (مطالعه موردی؛ جنوب استان کرمان قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران)

وحید عضدی<sup>۱</sup>، ابوذر پایدار گل‌سنگ<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵

### چکیده

زمینه و هدف: برقراری نظم و امنیت در مناطق مختلف ایران در طول تاریخ به دلیل نوع خاص اقلیم و شرایط جغرافیای مستعد جایگاه ویژه‌ای برای بزرگان و ریش سفیدان داشته است و جنوب استان کرمان نیز از این امر مستثنی نیست. هدف از این پژوهش بررسی جایگاه بزرگان و ریش سفیدان در تولید امنیت جنوب استان کرمان در قبل و بعد از انقلاب است.

روش شناسی: روش به کار رفته در این تحقیق از لحاظ ماهیت کاربردی، و به لحاظ روش توصیفی-تحلیل است. گردآوری داده‌ها؛ اسنادی و بر پایه مصاحبه انجام گردیده و از روش کیفی برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. جامعه نمونه شامل ۲۰ نفر از افراد آگاه محلی، ده نفر از سران طوایف، ۲۰ نفر از کارکنان انتظامی جیرفت، بم، کهنوج، قلعه گنج و عنبرآباد و قضات منطقه است.

نتایج: نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد با توجه به کم‌رنگ شدن جایگاه بزرگان و ریش سفیدان در جنوب استان کرمان و جایگزین کردن نظام شوراها به جای جایگاه بزرگان و ریش سفیدان می‌توان به این نتیجه دست یافت که نظام شوراها در همه مناطق نتوانسته به صورت کامل جواگو باشد و احتیاج به یکسری دارد به طوری که مشروعیت بزرگان و ریش سفیدان نسبت به قبل از انقلاب کم‌رنگ‌تر و در کنار آن نیز نظام شوراها در مناطق روستای و قومی و قبیله‌ای نتوانست آن گونه که شایسته است مشروعیت لازم کسب نمایند و در این خلاء بی‌مشروعیتی بین ریش سفیدان و نظام شوراها در جنوب استان کرمان برخی گروه‌های و شخصیت‌های جدید توانسته‌اند جایگاه ویژه‌ای کسب نمایند.

کلید واژه: هویت، قوم، طایفه و فامیل، ریش سفید، جنوب استان کرمان، پاتریمونیالیسم.

<sup>۱</sup>- دکتری اندیشه سیاسی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی (گروه مطالعات راهبردی)،

(نویسنده مسئول) - ۰۹۱۳۱۷۹۴۳۱۸ - vahidazodi@yahoo.com

<sup>۲</sup>- عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران. ۰۹۱۳۹۴۰۰۲۸۰ - aboozarpaidar@gmail.com

## مقدمه

با توجه به اینکه آهنگ نوسازی و دگرگونی از جامعه سنتی ساده به جامعه پیچیده در همه‌ی کشورها و حتی در مناطق مختلف یک کشور یکسان نیست. این دگرگونی‌ها در سه بخش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و روانی نمودار می‌شوند (وثوقی، نیک خلق، ۱۳۸۶: ۲۵۵). در جوامع صنعتی پیشرفته و هم در جوامع در حال توسعه، مناسبات اقتصادی و نیروها و ابزار تولیدی با رشد و تکامل خود در قرون اخیر عناصر سنتی و فرتوت فرهنگی و اجتماعی را به نحو اساسی از دست داده و عناصر نوینی به آن‌ها افزوده‌اند. شعور و آگاهی اجتماعی مردم افزایش یافته، تقسیم کار، اشکال تولید و مصرف کاملاً متحول شده و جامعه بشری هم از بابت سرمایه هم از جنبه فرهنگ در حال ادغام شدن است. بر اساس دگرگونی‌های بنیادین صورت گرفته در تمام ابعاد و جوانب اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع بشری، دیگر نمی‌توان عنصر غالب تشخیص طبقات را صرفاً منابع و امکانات مادی تلقی کرد، بلکه مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی، اقتصادی، قدرت سیاسی، شأن و منزلت اجتماعی است که امکان شناخت و تفکیک گروه‌ها و اقشار و طبقات اجتماعی را به ما می‌دهد (ازغندی، ۱۳۸۹: ۱۰۴). بر همین اساس کشور ما ایران نیز از این تغییرات دور نمانده است و از فضای سنت خود کنده شده و به سوی مدرن حرکت می‌کند. که در این راستا بسیاری از مؤلفه‌های سنتی خود را حفظ کرده و بسیاری از مؤلفه‌های مدرن را نیز فرا گرفته است و این در حالی است که استان کرمان و به خصوص جنوب آن از این تغییرات دور نمانده است و نسبت به قبل از انقلاب اسلامی ایران نیز تغییرات شگرفی داشته است. که می‌توان به سیر عظیم مهاجرت از روستاها به شهرها و همچنین ایجاد شهرهای جدید در این استان اشاره کرد؛ ولی با همه این تفاسیر هنوز در جنوب استان

کرمان خیلی از سنت‌های گذشته پابرجا است و هنوز در خیلی مناطق سیستم پدرسالارانه و ریش‌سفیدی حکم‌فرمایی می‌کند.

بررسی اولیه ساختارهای طایفه‌ای در منطقه جنوب و شرق کرمان، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که در گذشته، معتمدین طایفه‌ای در سطح بسیار بالایی قابلیت و توانمندی خود را در تأمین امنیت درون و برون طایفه‌ای نشان داده‌اند بگونه‌ای که توانسته‌اند نقش نهادهای جدید امنیتی - قضایی را همراه با کارایی، و اثربخشی زیاد برعهده گیرند. در گذشته، توجه به پاسداری از ارزش‌های طایفه‌ای و انسانی، نه تنها مردم را از انجام حرکات و رفتارهای نابهنجار باز می‌داشت بلکه آن‌ها را در مقابل حرکات ناشایست دیگر افراد طایفه، مسئول و موظف می‌کرد. همچنین، از سویی دیگر جنبه‌های منفی ساختار طایفه‌ای شامل تعصب، نزاع‌گرایی، و قابل بررسی است؛ بگونه‌ای که به اعتقاد برخی محققان، امروزه آثار و جنبه‌های مثبت ساختارهای طایفه‌ای رنگ باخته و تنها اثرات و جنبه‌های منفی ساختارهای طایفه‌ای - قومی خودنمایی می‌کند (پورافکاری، ۱۳۸۳: ۳). با این مقدمات، می‌توان هدف کلی تحقیق حاضر را بررسی جایگاه بزرگان و ریش‌سفیدان در جنوب استان کرمان دانست. این پژوهش ضمن بررسی تاریخچه‌ای از ساختار حکومت استبداد شرقی در ایران و یا پاتریمونیالیسم با تأکید بر دو جنبه تمرکز اداری و بروکراسی مرکزی (پایتختی) و ارتش حرفه‌ای و ملی به استناد آثار اندیشمندان بزرگی چون دکتر محمدعلی کاتوزیان، پرواند آبراهامیان و ... اشاره شده است. لازم به ذکر است که چنین دیدگاهی در فرهنگ سیاسی همچنان رایج است. سپس جایگاه حقوق اقوام و اقلیت‌ها را در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، گفته‌های مسئولان و به مبحث حقوق گروه‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی مختلف جهانی شدن در قرن ۲۱ که اکنون اهمیت زیادی یافته، اشاره شود.

همسو با این هدف کلان، سعی بر این است ساختار اجتماعی جنوب استان کرمان مورد بررسی قرار گیرد و مشخص شود ساختار موجود روستایی است یا شهری، ماهیت ساختارهای فامیلی- طایفه‌ای منطقه جنوب شرق کرمان در حال حاضر بررسی شود، بررسی شود که اعضای طوایف تا چه اندازه نگرش‌های سنتی خود را حفظ کرده‌اند و اینکه ساختارهای جدید پس از انقلاب اسلامی نظیر شورای شهر و روستا تا چه اندازه توانسته انجام کار ویژه‌های بزرگان و ریش‌سفیدان را در سطح جامعه به عهده بگیرند و اینکه در این جوامع تا چه اندازه ریش‌سفیدان توانسته‌اند مشروعیت خود را حفظ کنند یا اینکه شوراهای روستا و شهر در همه مناطق دارای مشروعیت یکسان هستند و در آخر هدف ما پاسخ به این سؤال است که در خلع مشروعیت بین بزرگان و ریش‌سفیدان با ساختارهای قدرت جدید چه گروه‌هایی توانسته‌اند قدرت یابند.

#### پیشینه تحقیق

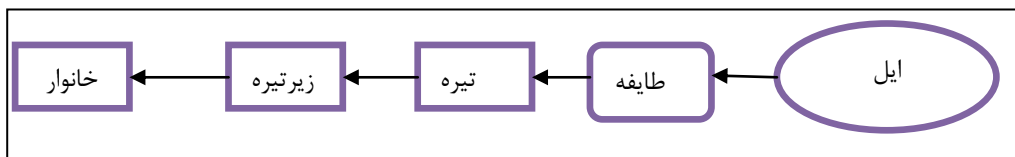
هویت: احساس تعلق فرد به کشور، جامعه یا نهاد و مجموعه‌ی خاصی را نشان می‌دهد. تاریخ، منافع، سرنوشت و تصور ذهنی مشترک از جمله وجوه هویتی است. تعلقات جغرافیای، قومی، نژادی زبانی و دینی هر کس بخشی از هویت او بشمار می‌رود. این در حالی است که سیاست‌های فرهنگی حاکم بر یک جامعه می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در مسیر هویت‌یابی افراد آن جامعه ایفا کند و این امر برآمده از ارتباط محکم فرهنگ و هویت است. به عبارت دیگر، از طریق فرهنگ است که انسان‌ها هویت‌یابی کرده و بر هویت خاصی تأکید می‌کنند (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۲-۲۰).

**قوم و گروه قومی:** مجموعه افرادی با سنت فرهنگ و احساس هویتی مشترک هستند که این اشتراکات، آنان را به عنوان یک گروه فرعی از جامعه‌ی ملی و بزرگ‌تر و همچنین از دیگر گروه‌های عضو آن جامعه متمایز می‌سازد. هر قوم دارای ساختار گسترده‌ی

خویشاوندی است که در درون آن عوامل همبستگی مادی و معنوی عامل پیوند و احساس تعلق افراد به قوم است. این عوامل عبارتند از: زبان، عرصه‌ی جغرافیایی خاصی که محل زیست افراد قوم بوده و هست، ارزش‌ها، آداب و رسوم، باور به یک نیاز مشترک که در اکثر موارد اسطوره‌ای است و نهایتاً تصور مشترکی که تعلق فرد را به قوم خاصی مستحکم می‌سازد (احمدی، ۱۳۷۸).

**طایفه و فامیل:** در سراسر کشور رده‌بندی‌های متفاوتی برای تشکیلات و ساختار سنتی جوامع محلی توسط محققان مختلف ارائه و استفاده شده است. اما بطور کلی می‌توان یک قانون رده‌بندی سنتی را برای سراسر کشور استفاده نمود (صفی‌نژاد، ۱۳۷۵، ۲۴۳): در این میان، طایفه رده‌ای است که از ایل کوچکتر بوده و دارای زیررده‌هایی به نام تیره است؛ لذا طایفه وقتی معنا می‌یابد که چندین تیره از یک عامل وحدت بخش برخوردار باشند و با یکدیگر احساس تجانس کنند.

شکل ۱- تشکیلات سنتی جوامع محلی



**ریش سفید:** تعریف جامع و کاملی از ریش سفید وجود ندارد. اما در لغت نامه دهخدا؛ ریش سفید به معنای مرد معمر و سالخورده که آن را به ترکی «آق سَقَال» گویند. (آندراج). پیرمرد و مسن. (از ناظم الاطباء). کنایه از رئیس و مهتر، و آن را ارباب هم گویند. (آندراج). مردی پیر که ریش سفید دارد. پیر ایل و طایفه که به حکم او عمل کنند. رئیس طایفه و قبیله. پیرطرف شور در امور. محترم‌ترین یا سالخورده‌ترین مردان ده یا ایل است. همچنین در فرهنگ فارسی معین ریش سفید به معنای مرد سالخورده دارای تجربه و آگاهی

آورده شده است. و در فرهنگ لغت عمید ریش سفید به معنای مرد پیری که موهای صورتش سفید شده باشد. و در معنای مجازی به نام کدخدا و بزرگ‌تر محل و ده تعریف شده است.

**جنوب استان کرمان:** همانطور که از نام آن مشخص است این منطقه قسمت جنوبی استان کرمان را در بر می‌گیرد. استان کرمان با مساحت ۱۸۳۵۰۶ کیلومتر مربع بیش از ۱۱/۱۵ درصد از مساحت کشور را به خود اختصاص داده است و براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در آبان ۱۳۹۰ جمعیت استان کرمان برابر ۲۹۳۸۹۸۸ نفر است. این استان دارای ۲۳ شهرستان، ۵۸ بخش، ۷۱ شهر و ۱۵۱ دهستان است که از این تعداد به نوعی ۱۲ شهرستان در جنوب استان واقع شده‌اند. شهرستان‌های جنوبی این استان، شامل: ارزوئیه، بم، جیرفت، رودبار جنوب، ریگان، عنبرآباد، فاریاب، فهرج، قلعه گنج، کهنوج، منوجان و نورماشیر است. بر همین اساس بر اساس جنوب استان کرمان با مساحتی بالغ بر ۶۵۱۱۰/۶۷ کیلومتر مربع ۳۵/۴۸ درصد از خاک استان کرمان را با جمعیتی بالغ بر ۱۱۵۹۹۰۶ نفر را به خود اختصاص می‌دهد (سالنامه آماری استان کرمان، ۱۳۹۱: ۱۰۲-۲۹).

**پاتریمونیالیسم:** از نظر ماکس وبر پاتریمونیالیسم حاکمیتی سیاسی است که یک خاندان پادشاهی، قدرت را از طریق یک دستگاه عریض و طویل اداری به صورت اجبار آمیز اعمال می‌کند. وبر پاتریمونیالیسم را به طور عمده برای تحلیل زندگی سیاسی کشورهای خاور میانه توصیه می‌کند. شکل ابتدایی این نوع از سیادت، با اعمال قدرت یک رئیس قبیله که یک دستگاه اداری را پی‌ریزی می‌کند، به وجود می‌آید. در سنخ شناسی رژیم‌های سیاسی وبر، باید میان پاتریمونیالیسم و سلطانیسم فرق گذاشت.

سلطانیسم اصطلاحی است که برای توصیف نظام‌های سنتی، بویژه در خاورمیانه، سلطانیسم حالت افراطی پاتریمونالیسم است که در آن سلطه بر پایه اراده شخص قرار گرفته است و بالاترین مقام حکومتی (شاه، حاکم، رئیس، ...) از تمامی قید و بندهای نظام سنتی آزاد است، از این رو، او به جای اعمال قدرت رسمی / قانونی، شبکه روابط وفادارانه و چاکرمنشانه، و وابستگی‌های خصوصی شبکه اصلی ارتباطات در این نظام است. ویژگی‌های اصلی پاتریمونالیسم عبارتند از:

۱. دیوانسالاری سیاسی و اداری به صورت کامل به مثابه ابزار خصوصی در انحصار شاه است و حاکم در رأس هرم سیاسی اقتصادی قرار می‌گیرد.

۲. حاکمیت سیاسی یک جانبه شاه تحت رژیم پاتریمونیا، زمینه رشد نظام سرمایه داری ناقص دلال صفت است؛ از این رو، رژیم پاتریمونیا برخلاف فئودالیسم، تعهدی نسبت به حفظ مرزها و فعالیت‌های اجتماعی ندارد. پاتریمونالیسم بدون منازع در صحنه اجتماعی حضور دارد.

۳. تفاوت نظام اداری پاتریمونیا با دیوانسالاری عقلانی در ابهام مرزهای حوزه عمومی و حوزه خصوصی در پاتریمونالیسم است (لینز و شهابی، ۱۳۸۰: ۱۱-۸).

ایران و شیوه تولید آسیایی ماهیت نظام اقتصادی و اجتماعی ایران و شکل دولت ایرانی در گذشته یکی از اساسی‌ترین مباحث مربوط به جامعه‌شناسی سیاسی ایران بوده است. شیوهی تولید آسیایی به همان اندازه که نظریه‌ای در مورد شیوهی تولید است. نظریه دولت نیز هست. این بدان خاطر است که دولت در این نظریه به‌عنوان یک متغیر مستقل مورد تأکید قرار گرفته است. احتمالاً در بحث دولت نظریه‌ی استبداد از سوی نظریه‌پردازان گوناگونی مطرح شده است که می‌توان آن‌ها را به‌همراه با آقای کاتوزیان در

یک طیف قرار داد. از جمله «ویتفوجل» مشهورترین متفکر نظریه‌ی استبداد است. وی بحث استبداد شرقی را مطرح کرده است.

«مونتسکیو» نظریه‌پرداز دیگری است که به طرح نظریه‌ی استبداد پرداخته است.

«کارل مارکس» با طرح مسأله شیوه تولید آسیائی، نظریه‌ی استبداد شرقی را مطرح می‌کند. همچنین «ماکس وبر» نظریه استبداد شرقی را مطرح کرده است. به لحاظ تاریخی هرودت مقدم‌ترین فرد در این‌گونه مباحث است. او قسمت عمده‌ی کتاب خود را به تاریخ شرق اختصاص داده و آن‌چنان دقیق و مفصل تاریخ ایران، مصر و سکاها را نوشته که نوشته‌اش یکی از معتبرترین منابع تاریخ شرق و ایران است. با وجود کشفیات بی‌شمار باستان‌شناسی، کتاب هرودوت مثل قبل پایه‌ی عمده‌ی تاریخ‌نویسی شرق را تشکیل می‌دهد.

وی در کتابش بر اهمیت آبیاری مصنوعی در مصر و ایران تأکید می‌کند و رابطه‌ی آن با تشکیلات سیاسی را می‌بیند.

تاریخ‌نگاران دیگر روم و یونان هم از شرق و ایران نوشته‌اند؛ در شرح جنگ‌های ایران و یونان گاهگاهی به ایران و استبداد حکومتی آن اشاره کرده‌اند. مثلاً پلوتارک حکومت ایران هخامنشی را در قیاس با نظام حکومتی در یونان، استبدادی می‌بیند.

از اواخر قرون وسطی که رابطه‌ی شرق و غرب افزایش یافت و توجه اروپا به آسیا بیشتر شد، شبکه‌های وسیع آبیاری و حکومت‌های استبدادی شرقی توجه اروپاییان را به خود جلب کرد و تاریخ شرق مورد بحث قرار گرفت. عمده‌ترین پدیده تاریخ شرق استبداد و رابطه‌ی آن با تولید کشاورزی بود (پیروز، ۱۳۷۰: ۴۵-۵۰).

منتسکیو در کتاب روح‌القوانین درباره‌ی آسیا و حکومت‌های استبدادی آن مطالبی نوشت. او ایران، چین، هند و ژاپن را جزو کشورهای استبدادی دانست. منتسکیو می‌گوید:



در استبداد شرقی همگان برابرند، و تساویشان در ترس و ناتوانی در برابر قدرت حکومت است. در نظام استبدادی هیچ قدرتی در مقابل حکومت وجود ندارد فقط قدرت موقتی مذهب است که گاهی در مقابل حکومت قرار می‌گیرد.

نظریه‌ی «استبداد شرقی» که به‌وسیله‌ی منتسکیو صورت‌مدون امروزی به‌خود گرفت، به تأثیر از روحیه «اروپای مرکزی» و نادیده‌انگاشتن نقش و سهم تمدن‌های کهن در ساخت فرهنگی و اجتماعی جهان، برای مشرق‌زمین و به تبع آن ایران، تعاریف ویژه‌ای در پی داشت. منتسکیو سازمان سیاسی آسیا را براساس دو عامل طبیعی مشخص یعنی وجود دشت‌های وسیع و عدم اعتدال آب و هوایی و استبداد شرقی می‌دانست (منتسکیو، ۱۳۶۲: ۴۵۴). این نظریه زیرساخت پیش‌داورانه‌ی غالب نویسندگان و صاحب‌نظران اروپایی از هگل تا جان استوارت میل را در نگرش به جوامع آسیایی در بر گرفت.

#### ماهیت دوگانه ساختارهای فامیلی - طایفه‌ای

تاریخ کشور ایران در مقاطع مختلف با نقش فعال قبایل و طوایف گره خورده است و این نقش عمدتاً با جنبه‌های مثبت و گاهی با جنبه منفی همراه است (رضایی کلواری و همکار، ۱۳۸۸، ۱۳۹). طی دهه‌های گذشته، به بهانه‌هایی چون حذف نیروهای گریز از مرکز، تحکیم پایه‌های دولت مرکزی، کاهش قدرت سران قومی - طایفه‌ای، و دموکراتیک نمودن ساختار اجتماعی، برنامه‌هایی طراحی و اجرا شده است که به هم‌ریختگی و نابهنجاری اجتماعی از پیامدهای مستقیم آن است. می‌توان گفت امروزه ساختارهای فامیلی - طایفه‌ای علاوه بر جنبه‌های مثبت قوی دارای آثار و جنبه‌های منفی است. اگر چه در گذشته، حکام داخلی، دولت‌های خارجی و... از ساختارهای اجتماعی به ویژه معتمدین و سران بهره‌زیادی می‌بردند اما در عصری که جامعه ما پا به دوران مدرنیته گذاشت اقدامات و برنامه‌هایی پیاده شد که نه تنها در کاهش و مهار پیامدهای منفی اجتماعی

ساختار طایفه‌ای موثر واقع نشد بلکه وخیم‌تر اینکه امروزه جنبه‌های منفی این ساختارها همواره به چشم می‌خورد. گاهی درون طوایف، برخوردهایی شکل می‌گیرد که آثار تخریبی آن، امنیت و آسایش مردم را به خاطر قتل و کشتارهای بی‌امان، سلب می‌نماید. با وجود تغییرات گسترده اجتماعی و فرهنگی، باز هم در اکثر مناطق کشور آثار ناگوار پدید-ای به نام نزاع‌های جمعی و درگیری‌های قومی و قبیله‌ای مشاهده می‌شود، هنوز خشونت و نزاع از جمله موضوعاتی است که در فرهنگ بعضی از هموطنان، شاخص قدرت و یا دفاع از منزلت اجتماعی و فرهنگی و حیثیت خانوادگی محسوب می‌شود (پورافکاری، ۱۳۸۳، ۳). در گذشته، معتمدین و سران طایفه‌ای به عنوان الگوهایی شخصیتی اخلاقی محسوب می‌شدند که با کمترین هزینه و با نرم‌ترین و موثرترین روش‌ها، در چنین شرایطی وظیفه تأمین امنیت را برعهده داشتند. توسعه پایدار اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که جنبه‌های مثبت (قوت‌های اجتماعی درون طایفه‌ای و فرصت‌هایی که ساختارهای طایفه‌ای بویژه در بعد امنیتی در اختیار مسئولان می‌گذارد) کشف شوند، و از طریق برنامه‌ریزی و نهادسازی مناسب، بالفعل شوند. مزایای ساختار طایفه‌ای بویژه در مناطقی از کشور که از مسائل ناامنی رنج می‌برند، بسیار حائز اهمیت است زیرا امروزه با برگشت به گذشته، یک تغییر رویکرد اساسی در شیوه‌های تأمین امنیت روی داده است بدین ترتیب که شیوه‌های مردم‌گرا، تعاملی، و نرم جایگزین رویکردهای بالا به پایین و شیوه‌های سخت تأمین امنیت شده‌اند. اتخاذ چنین رویکردی؛ تحولی اساسی در زمینه مدیریت ناامنی در کشور به وجود آورده است (پایدار، ۱۳۹۳: ۳۰).

## تحول در مدیریت محلی در ایران

تحول در زمینه نقش بزرگان و ریش سفیدان در جامعه، متناسب با مهم‌ترین مراحل تحول در مدیریت کلان جامعه قابل تبیین است. مراحل چنین تحولی در پی می‌آید:

### الف) مرحله پیش از تشکیل دولت - ملت<sup>۱</sup>

آبراهامیان در تشریح سازماندهی اجتماعی ایران در دوره قاجاریه، از جایگاه کدخدایان و ریش سفیدان در مناطق شهری، روستایی و عشایری یاد نموده است. در این دوره ارتباط نهادهای محلی و دولت مرکزی دوسویه بوده است. با این شرایط، سازماندهی نهادهای محلی (کدخدایان، ریش سفیدان و اصناف) نشان دهنده نامتمرکز بودن ساختار قدرت سیاسی به معنای امروزی آن بوده است (میرفردی، ۱۳۹۰: ۱۶).

### ویژگی‌های مدیریت محلی سنتی

- ۱- همگونی جامعه سنتی، نیازهای همگونی را برای آن‌ها رقم می‌زد. سازوکارها نیز ساده و همگون بود.
- ۲- نداشتن تخصص و یا کمبود تخصص به معنای امروزی آن، مدیریت عرفی و تجربی را عهده‌دار اموری می‌کرد که در دوره تخصصی شدن مدرنیته بر عهده مدیریت‌های تخصصی شده و بروکراتیک قرار گرفت.
- ۳- احترام و نظارت درونی، منبع کنترل اجتماعی بود.
- ۴- دامنه ارتباط با عرصه‌های جهانی و کلان‌شهرها محدود بود.
- ۵- وسایل تبلیغی و رسانه‌ای همگانی همانند ابزارهای نوین وجود نداشت که بتواند بر ایستارها و در نتیجه بر کردارها تأثیرگذار باشد.

---

<sup>۱</sup> - nation state

۶- گروه مرجع در ارزیابی‌ها، ارزش‌ها و هنجارها در رفتارهای اجتماعی تاحد زیادی در همان کانون محلی قرار داشت و در اختلافات و نزاع‌ها نیز میانجی‌گری و مدیریت آن‌ها نقش اصلی را ایفا می‌کرد.

در نتیجه: جامعه‌ای همگون با روابط محلی، نظارت درونی و محلی وسازوکارهای ساده شکل گرفته بود که مدیریت جامعه را وابسته به شرایط عرفی و محلی می‌نمود.

### ب) مرحله‌ی استقرار دولت - ملت

با ابزارهای اجبار گونه و شرایط نهادینه نشدن فرهنگ مدنی و شهروندی (شرایط دوگانه ساختار حاکمیتی مدرن و بدنه‌ی اجتماعی سنتی که نمونه‌ی آن دولت پهلوی اول بوده است).

قدرت رؤسای عشایری ایران در این دوره به چند عامل بستگی داشت: وظیفه هماهنگ ساختن جابه جایی چادرنشینان و داوری در مناقشات شبانان و ایفای نقش میانجی‌گری با جامعه ایران و حکومت مرکزی (دیگار و همکاران، ۱۳۷۷، ۳۶۹). به بیان دیگر، مدیریت اختلافات هم مجالی برای مطرح شدن رؤسای طوایف و ایلات نزد مردم مناطق عشایری و حتی روستایی و همچنین نزد نهادهای حکومت مرکزی بود و هم این رؤسا به عنوان حاکمین و معتمدین محلی نقش تعیین کننده‌ای در مدیریت اختلافات محلی داشتند، این مدیریت در اغلب موارد به پایان‌بخشی و مصالحه و در برخی موارد به تشدید و تداوم دسته‌بندی‌ها و مناقشات محلی منجر می‌شد.

### ج) مرحله نیمه سنتی - نیمه مدرن (حاکمیت نوین با آمیزه‌هایی از سنت و مدرنیته)

مدیریت محلی در این مرحله: در دوره‌های نخست و دوم این مرحله (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۲)، ملاکین و کلانتران محلی تا حد قابل قبول توجهی نفوذ خود را در اجتماعات

محلی حفظ کرده بودند، به ویژه در سال‌های نخست به قدرت رسیدن پهلوی دوم، به‌خاطر جوانی و کم‌تجربگی شاه، سران ایلات قبل از به قدرت رسیدن رضاشاه را تا حدی بازیابی کردند. به تدریج این قدرت محلی جای خود را به نهادهای نوین داد. «عمده‌ترین پیامد اصلاحات ارضی آن بود که دولت قدرت سیاسی خود را جایگزین قدرت زمین‌داران در روستاها کرد. سپاه بهداشت، سپاه دانش، سپاه ترویج و آبادانی، سازمان دولتی نهادهای روستایی (تعاونی‌ها، واحدهای اعتباری، خانه‌های انصاف)، کنترل قیمت‌ها و قدرت اجبار کننده ژاندارمری نیز هر یک به نوعی پایه‌های قدرت دولت مرکزی در روستاها را تحکیم نمودند» (فوران، ۱۳۷۸، ۴۷۷).

#### د) مرحله نهادینه شدن فرهنگ مدنی و شهروندی

با وجودی که در این دوره زمانی، در کلانشهرها وضعیت مدنی و شهروندی بهبود یافته است، در اجتماعات محلی (شهرهای کوچک، روستاها و مناطق عشایری) بسیاری از ویژگی‌های سنتی همچنان در رفتارها و مناسبات اجتماعی نقش دارند. با توجه به دسته‌بندی مور، هنوز هیچ نشانه‌ای از میانجی‌های مستقل وجود ندارد. مدیریت سنتی (ریش‌سفیدان و سران طوایف) نیز در شرایط کنونی به دلایلی نفوذ پیشین خود را در مدیریت جامعه از دست داده است:

- ۱- جایگزینی نهادها و گروه‌های دیگری بجای ریش‌سفیدان و رؤسای طوایف،
- ۲- مهاجرت‌ها، وسایل ارتباط جمعی، افزایش سطح آموزش به ویژه تحصیلات دانشگاهی و ورود ساکنان اجتماعات محلی به سازمان‌های اداری و سکونت آن‌ها در مراکز شهری بزرگ،
- ۳- گسترش نهادهای انتظامی و قضایی در مناطق مختلف و حضور پلیس در نزاع‌ها و درگیری‌ها معمولاً موضوع مورد اختلاف را به محاکم قضایی می‌کشاند.

۴- بروز نمودهای شکاف نسلی بین نسل جوان جامعه- که عموماً نقش اصلی را در شکل‌گیری و ادامه نزاع‌ها ایفا می‌کند و نسل ریش‌سفیدان و معتمدین محلی، پذیرش نقش میانجی‌گرانه‌ی ریش‌سفیدان از سوی جوانان را با دشواری مواجه ساخته است.

۵- تحول در قشربندی اجتماعی و منزلت‌های پایگاهی از دیگر زمینه‌های کاهش نقش‌پذیری ریش‌سفیدان در مدیریت نزاع‌های جمعی است.

بررسی ویژگی‌های مدیریت محلی در هر یک از ادوار ذکر شده، تا حد زیادی ساز و کارهای مدیریت محلی توسط معتمدین را نشان می‌دهد. در دوره‌ی اول تحولات سیاسی و اجتماعی، سه نیروی اصلی در ساختار اجتماعات محلی به ویژه اجتماعات عشایری و روستایی نقش داشته‌اند:

۱- وابستگی و شبکه‌های خویشاوندی

۲- وابستگی و تعصبات طایفه‌ای و محلی

۳- حرمت محلی (کارکرد شرم برای نظارت محلی).

تعصبات محلی و طایفه‌ای عامل اصلی انسجام ساختار محلی و حرمت محلی (ریش‌سفیدان)، عامل نظارت و کنترل اجتماعی بود. وابستگی خویشاوندی نیز انسجام تیره‌ها و واحدهایی چون «اولاد»، بنکو و تش را در سطح محدودتری از ساختار طایفه‌ای تضمین می‌کرد.

در دوره‌ی دوم و با وارد شدن ساختار مدرن توسط نهادهای حکومتی، کارکرد انسجام اجتماعی به ویژه در مناطق شهری تا حدی توسط نهادهای مدرن پیگیری شد و نهادهای یاد شده به تدریج نقش نظارتی و کنترلی ریش‌سفیدان و نهادهای سنتی را بر عهده گرفتند. تأسیس دادگستری در دوره‌ی رضاشاه به تدریج نقش معتمدین و رحانیون در حل و فصل اختلافات مردم را کم‌رنگ کرد. با این وجود، مناطق عشایری و روستایی در سطح موزونی

با مناطق شهری به سمت نهادهای نوین نگریدند و دوگانگی در سطح توسعه و دگرگونی در مناطق شهری و روستایی، در زمینه‌ی نوع مدیریت محلی به ویژه مدیریت اختلافات محلی نیز خود را نمایاند. به بیان دیگر، مناطق روستایی در این دوره همچنان، به ویژه اصلاحات ارضی - وابسته به مدیریت دولتی و محلی بودند.

در دوره‌ی سوم با حذف نظام ارباب رعیتی، خلأ مدیریتی در مناطق روستایی و عشایری شکل گرفت که تأسیس برخی نهادها همچون شرکت‌های تعاونی روستایی نتوانست آن‌را پر کند. وجود کدخدایان محلی و حضور نهادهای مدرن و نیمه مدرن شکلی نیمه سنتی - نیمه مدرن به مدیریت مناطق روستایی و عشایری به ویژه در زمینه مدیریت جامعه داده بود. تشکیل خانه‌های انصاف از معتمدین محلی که مرتبط و نماینده‌ی غیر رسمی نهادهای انتظامی و قضایی بودند، شکلی از این سازماندهی بود.

در دوره‌ی پس از انقلاب و با کنار رفتن کدخدایان ساختار مدیریت محلی مناطق روستایی و عشایری دچار دگرگونی اساسی شد و نهادهای انقلابی و شوراهای اسلامی جایگزین مناسبات پیش از انقلاب شدند. مجموعه عواملی؛ مدیریت ریش‌سفیدان در امنیت را دستخوش دگرگونی نمود و تا حد زیادی از نفوذ آن‌ها در مدیریت نزاع‌های محلی کاسته شد که از آن جمله می‌توان به تفکیک و تمایز در ساختارهای اجتماعی و سیاسی، جایگزینی نهادهای مدرن به جای نهادهای محلی و سنتی، افزایش سطح تحصیلات، تحول در نظام‌های بهره‌برداری، برون‌گرایی مکانی و مهاجرت به مناطق شهری، گسترش فناوری‌های ارتباطی و تحول در نظام قشربندی سنتی اشاره کرد. البته این تحول در همه‌ی مناطق کشور یکسان نبوده است (میرفردی، ۱۳۹۰: ۱۹-۱۶).

### معضلات و مشکلات پیش‌روی جنوب استان کرمان

در استان کرمان ایلات و طوایف بزرگی وجود دارد که از ۵ قومیت عربی، ترکی، لری، فارسی و بلوچی هستند. ماهیت عشائری و کوچندگی زندگی در ادوار گذشته در استان کرمان، و همچنین استعداد این استان برای تبعید طوایف و ایلات توسط حاکمان وقت، باعث شده این استان پهناور پذیرای اقوام، طوایف و فامیل‌های متعددی باشد. عمده عشایر استان کرمان از طوایف مختلف و مهاجران ایرانی هستند که پس از تسلط تازیان از سوی غرب ایران به نواحی شرقی و جنوبی مهاجرت نمودند و از اقوام مختلف بلوچ، ترک، کرد، عرب و بومیان قدیم بنیان گرفتند. در محدوده استان حدود ۴۰ ایل، ۳۰۰ طایفه و ۲۳۰ تیره کوچرو در پیرامون شهرستان‌های کهنوج، بافت، سیرجان، جیرفت و بم به سر می‌برند که عمدتاً از طریق دامداری امرار معاش می‌نمایند (راهنمای مدیریت انتظامی استان کرمان، ۱۳۹۱، ۴۵-۲۳). بر اساس آخرین برآوردهای اطلاعاتی صورت گرفته در سال ۱۳۸۹ تعداد کل جمعیت طوایف استان کرمان به صورت تقریبی ۴۲۰ هزار نفر است. طایفه شهلای بر (با ۷۵ هزار نفر جمعیت)، طایفه کوهشاهی (با ۱۵ هزار نفر جمعیت) و طایفه سابکی با (۳۵ هزار نفر جمعیت) پرجمعیت‌ترین طوایف استان کرمان هستند.

از مهم‌ترین ایل‌های این استان می‌توان ایل‌های جاویدان، گچیمی، افشار، بچاقچی، پشت‌کوهی، رلینی، لری، آینه‌ای، خراسانی، لرد کوهینجی، غربا، قرایی، کودری، مهنی، آسیابر، راهی‌بارچی، جبال‌بارزی، جرجندی، شهیکی، جلالی، رودباری، حوت سرحدی و رمشکی، نوشادی، بزسفید، سرحدی، شهریاری، پشموکی، طیاری، مارزی، نمودادی، مجازی، کماچی، سلیمانی، ملایی و توریکی را نام برد.

از مشکلات اصلی پیش‌روی توسعه جنوب استان کرمان مسئله ناامنی، مسیر عبور قاچاقچیان مواد مخدر، قاچاق انسان (اتباع افغانی و پاکستانی به داخل کشور، قاچاق



سوخت و درگیری‌های طایفه‌ای- فامیلی است، ضمن اینکه وجود سلاح (مجاز و غیرمجاز) در دست برخی از ساکنان شهرستان‌های جنوبی (بم، جیرفت، کهنوج، منوجان، قلعه گنج و...) و عشایر منطقه بر حساسیت مسئله می‌افزاید. از طرفی روز به روز بر تعداد اهل تسنن این مناطق افزوده و گرایش‌ها و هابیت در این مناطق شیوع پیدا کرده است که مهم‌ترین زمینه‌ها و ریشه‌های درگیری و ناامنی در منطقه عبارتند از:

۱- پایین بودن سطح سواد و آگاهی، بیکاری گسترده و یا اشتغال غیررسمی، نامناسب و کم‌بازده؛

۲- تعصبات قومی، طایفه‌ای، فامیلی و مذهبی و تحرکات کشورهای خارجی؛

۳- نزدیکی به مرزهای کشورهای ناامن مانند افغانستان و پاکستان؛ و عدم کنترل دقیق مرزها؛

۴- فقدان بازار کار داخلی جهت جذب نیروی انسانی منطقه و وجود اجناس قاچاق و مواد مخدر در استان‌های همسایه؛

۵- واقع شدن در منطقه جنوب شرق و گذرگاه بین‌المللی حمل مواد مخدر؛ حضور قاچاقچیان بین‌المللی و اشرار سرکش در منطقه، روحیه قانون‌گریزی و عدم تمایل به پذیرش حاکمیت قانون؛

۶- پراکندگی نامناسب اقلیمی (کویری بودن، خشک بودن و کم آبی) توأم با پراکندگی نامناسب جمعیت؛

۷- عدم ساماندهی اتباع بیگانه (افاغنه) و نداشتن برنامه مدون برای ممانعت از دستیابی آن‌ها به هویت ایرانی و انطباق‌پذیری نسل دوم آن‌ها با جمعیت ایران؛

۸- وجود تعداد زیاد سلاح غیرمجاز در دست مردم؛

اگر چه مسائل ناامنی در جنوب کرمان علل و ریشه‌های متفاوتی دارد، ساختاری پیچیده دارد، و مدیریت آن سخت و پرهزینه است اما با این وجود فرصت‌ها و پتانسیل‌های بسیار مناسبی برای حل چنین مسائلی در منطقه وجود دارد. یکی از این فرصت‌ها وجود ساختارهای اجتماعی به نام ساختار طایفه‌ای - فامیلی و بقایای نظام ریش سفیدی در منطقه است. نظام معتمدی که تاکنون نقش زیادی در کنترل امنیت چنین فضاها و جغرافیایی داشته است امروزه در معرض تحولاتی قرار گرفته است. یکی از موضوعاتی که در این زمینه بسیار مهم به نظر می‌رسد و بررسی آن ضروری است نقش معتمدین محلی در پیشگیری، کنترل و حل این نزاع‌ها است.

نتایج تحقیق آقای پایدار با عنوان «واکاوی ماهیت درگیری‌های طایفه‌ای - فامیلی جنوب شرق استان کرمان با تاکید بر امنیت پایدار» نشان می‌دهد؛ ساختار طوایف و فامیل‌ها در حال باز تولید است بگونه‌ای که در بخش زیادی از منطقه ساختار طایفه‌ای کمرنگ شده در حالیکه در بخشی دیگر همواره پررنگ است. در عین حال تأثیرات ساختار طایفه‌ای در ابعاد سیاسی و اجتماعی در کل منطقه آشکار است. نتایج حاصل از تحلیل‌های کمی نیز نشان داد عوامل مرتبط با عملکرد نیروی انتظامی و قضایی، و ضعف ارزش‌های اجتماعی مهم‌ترین عوامل موثر بر وقوع ناامنی و درگیری در منطقه هستند. احیای شیوه‌های سنتی تأمین امنیت در قالب نهادسازی جدید، موثرترین روش کنترل درگیری‌های جمعی در منطقه جنوب شرق کرمان است.

- اسفندیار غفاری نسب و علی اصغر مقدسی (۱۳۸۳)، در تحقیق خود تحت عنوان: «مدرنیته، بازاندیشی و تغییر نظام ارزشی در طایفه دهدار در استان فارس»، مسئله اشاعه و رابطه بین سنت و مدرنیته در طایفه دهدار را از دیدگاه‌هایی همچون مدرنیته پیوندی و باز اندیشانه، و جهان-محلی شدن مورد بررسی قرار گرفته دادند. یافته‌های تحقیق نشان

داد ارزش‌های متعلق به فرهنگ بومی نه تنها از میان نرفته‌اند، بلکه همچنان به حیات خود ادامه داده و با ارزش‌های مدرن درآمیخته و ترکیبی پدید آورده‌اند که برخی آن را فرافرنهنگ نامیده‌اند.

- حسینی سوق و همکاران (۱۳۸۷) با پژوهشی تحت عنوان «بررسی علل و عوامل تضادها و نزاع‌های دسته‌جمعی در استان کهگیلویه و بویر احمد»، عناصر ذی نفوذ فامیل، تیره یا طایفه و ایل را تحت عنوان میانجی‌گر؛ از مهم‌ترین عوامل ایجاد آرامش و امنیت برشمرده است.

- عادل‌ی و آبده‌گاه (۱۳۹۰)، در تحقیق خود تحت عنوان «بررسی نقش ریش سفیدان و معتمدین در نزاع‌های دسته‌جمعی از دیدگاه مردم شهرستان گچساران» نشان دادند که مهم‌ترین ابزارهای حل و فصل نزاع‌های دسته‌جمعی از دیدگاه پاسخگویان شهرستان گچساران، به ترتیب اولویت عبارت است از: قانون، عرف و ریش سفیدان و معتمدین. مهم‌ترین ضعف‌های ریش سفیدان طوایف در برخورد با نزاع‌های دسته‌جمعی به ترتیب اولویت و با فاصله‌ی نزدیک به هم بدین صورت است: سواد پایین، عملکرد سستی، تصمیمات خلاف قانون و اعتقادات دینی - مذهبی ضعیف. نتایج هم‌چنین نشان داده است که میان میزان اهمیت نظر مردان ریش سفید و زنان بزرگ و جا افتاده‌ی فامیل از دیدگاه مردم شهرستان گچساران، تفاوت معناداری وجود دارد؛ به گونه‌ای که این میزان اهمیت نظر برای مردان ریش سفید بیشتر از زنان است. علاوه بر این؛ افراد جامعه آماری در هنگام بروز نزاع دسته‌جمعی در صورت بی‌احترامی به یکی از بزرگان و ریش سفیدان طایفه خود، در مقایسه با بی‌احترامی به یکی از بزرگان و ریش سفیدان طایفه مقابل، توجه بیشتری به ریش سفیدان طایفه خود دارند؛ نتایج هم‌چنین حاکی از آن است که اگر پاسخگو جزء خانواده قاتل باشد، بیش‌ترین گرایش را به ریش سفیدان و معتمدین جهت

حل و فصل این مسئله دارد و اگر پاسخگو جزء خانواده مقتول باشد، راه حل قانونی را جهت حل و فصل مسأله ترجیح می دهد.

- جفری. بی. نوژنت و نیکولاس سانچز<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) در تحقیق خود تحت عنوان «تغییر پذیری محلی بارش و ساختار نهادهای طایفه‌ای» دریافتند میزان بارش، مالکیت منابع آب، خاک و در نتیجه میزان تولیدات کشاورزی تأثیر تعیین کننده‌ای روی ساختار درون طایفه و بین طایفه‌ای دارد؛ لذا پیشنهاد می کنند در راستای تعدیل و همگن سازی ساختار طایفه‌ای در کشور سودان بر توزیع منابع آب و خاک نظارت بیشتری توسط مسئولین دولتی و محلی صورت گیرد.

#### مبانی نظری تحقیق

#### نظریات مدیریت محلی، اجتماع محلی و میانجی‌گری ریش سفیدان

در بافت سنتی جامعه ایرانی، مدیریت‌های سنتی عهده‌دار امور مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بوده است. نزاع‌های جمعی از جمله زمینه‌هایی بودند که در گذشته به شیوه‌ی سنتی توسط معتمدین مدیریت می شدند. این نوع از مدیریت، همگام با دیگر بخش‌های جامعه دستخوش دگرگونی شده است. خیلی از جوامع انسانی تحولاتی از بافت سنتی به بافت نو به خود پذیرفته‌اند. اندیشمندان اجتماعی حتی قرن‌ها پیش از شکل‌گیری علم جامعه‌شناسی، به تبیین تحولات پرداخته‌اند. در میان جامعه‌شناسان کلاسیک، کنت، اسپنسر، دورکیم، تونیس ورد فیلد این تحولات را محور مطالعات و نظریه‌پردازی‌های خود ساخته‌اند. ویژگی‌های مشترک همه‌ی این دیدگاه‌ها، ارائه سیمایی دوگانه از جوامع انسانی است: سیمای سنتی و سیمای مدرن. در بافت سنتی جامعه ایرانی،

---

<sup>۱</sup> - Jeffrey B. Nugent, Nicholas Sanchez

مدیریت‌های دولتی عهده‌دار امور مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مردم بوده است. با دگرذیسی‌هایی که در ساختار کلان جامعه رخ داده است، سازوکارهای نظارت اجتماعی نیز دست‌خوش دگرگونی شده‌اند. معتمدین در ساختار ایلی، عشایری و روستایی به عنوان مدیریت محلی از کارکرد نسبتاً جامعی برخوردار بوده‌اند، به بیان دیگر، معتمدین در بیشتر امور اجتماع محل زندگی‌شان - امور خرد، گروهی و کلان - نقش داشتند. معتمدین به عنوان کانونی محلی و غیررسمی در پیوند میان مردم و نهادهای حکومت نیز نقش آفرین بودند (میرفردی، ۱۳۹۰، ۱۲-۱۱).

نظریه تونیس مدت‌ها به عنوان الگوی پژوهش در جامعه‌شناسی روستایی مورد استفاده بوده است. طبق این نظریه؛ جوامع بر حسب نوع ارتباطات مردم با هم و نوع ارتباط مردم با مسئولین به دو دسته گماینشافت (جامعه قومی - طایفه‌ای با یکپارچگی مکانیکی) و گزالشافت (جامعه فردگرا و شهری با یکپارچگی ارگانیکی) تقسیم‌بندی شده‌اند. همچنین جامعه گماینشافت به عنوان یک جامعه‌ی آرمانی که سرشار از تقدس، هماهنگی و صلح و صفا است تلقی می‌شده است. گماینشافت در واقع همان اجتماع محلی است. ردفیلد نیز به شکل مشابهی جوامع را به دو دسته جامعه‌ی قومی و جامعه شهری تقسیم نمود که این دو جامعه از ویژگی‌هایی همانند گماینشافت و گزالشافت در دیدگاه تونیس برخوردارند (تقوی، ۱۳۵۶، ۱۵). چنین محققانی اذعان داشته‌اند که جوامع همواره در حال تغییر به سمت ارگانیکی شدن (گزالشافت) هستند. در اجتماع محلی و جامعه گماینشافتی، برخوردها عمدتاً به صورت رودرو صورت می‌گیرد، و قراردادهای عرفی و رسمی نیز برای حل و مدیریت امور و مسئول وجود دارد. یکی از بهترین راهبردها در زمینه حل مسائل چنین جوامعی «میانجی‌گری» است. دیدگاه‌های نظری پیرامون مفهوم «میانجی‌گری» بر کارآمدی این ساز و کار غیررسمی در زمینه نظارت اجتماعی در زمینه اجتماع محلی

تاکید دارد. مور<sup>۱</sup> دیدگاه خود را تحت عنوان «میانجی‌گری: راهبردی عملی برای حل تضاد و درگیری» مطرح کرده و معتقد است میانجی طرف سومی هست که برای کنار آمدن طرفین مناقشه تلاش می‌کند. میانجی‌ها شامل: میانجی‌های شبکه اجتماعی، میانجی‌های مشروع دولتی، و میانجی‌های مستقل هستند. میانجی‌های شبکه‌های اجتماعی، همان افراد مورد احترام اجتماع هستند که با طرفین درگیری رابطه دارند. اگر چه آن‌ها از نظر جهت‌گیری، انسان‌های خنثی نیستند اما به عنوان افرادی منصف مدنظر می‌باشند. این دسته از میانجی‌ها عموماً از طریق روابط اجتماعی پایدار و بلندمدت با اجتماع محلی خودشان شناخته می‌شوند. آن‌ها معمولاً تا زمان دستیابی به توافق، در حالت مذاکره و چانه‌زنی با طرفین نزاع مرتبط هستند. میانجی‌های قانونی افرادی هستند که بخاطر موقعیت رسمی که دارند می‌توانند بر طرفین نزاع اعمال قدرت کنند. میانجی‌های مستقل نیز به خاطر ویژگی بی‌طرفانه بودنشان نسبت به هر یک از طرفین نزاع تعریف می‌شوند (Moore, ۱۹۹۶: ۵۶).

### روش‌شناسی تحقیق

روش‌به کار رفته در این تحقیق از لحاظ ماهیت کاربردی، و به لحاظ روش توصیفی-تحلیل است. روش گردآوری داده‌ها؛ اسنادی و مصاحبه بوده، و از روش کیفی و ترکیبی برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. جامعه نمونه شامل ۲۰ نفر از افراد آگاه محلی، ده نفر از سران طوایف، ۲۰ نفر از کارکنان انتظامی جیرفت، بم، کهنوج، قلعه‌گنج و عنبرآباد و قضات منطقه است.

<sup>۱</sup> - Moore

یافته‌های تحقیق

جنوب استان کرمان به نوعی شامل ۱۲ شهرستان است. شهرستان‌های که در جنوب استان قرار دارند، شامل: ارزوئیه، بم، جیرفت، رودبار جنوب، ریگان، عنبرآباد، فاریاب، فهرج، قلعه گنج، کهنوج، منوجان و نورماشیر است.

جدول شماره ۱. جمعیت شهرستان‌های جنوب استان کرمان بر حسب ساکن و غیر ساکن:

آبان ۱۳۹۰

شهرستان	جمعیت کل	جمعیت ساکن در نقاط شهری	جمعیت ساکن در نقاط روستایی	جمعیت غیر ساکن
کل استان	۲۹۳۸۹۸۸	۱۶۸۹۸۴۲	۱۲۴۲۳۴۴	۶۸۰۲
ارزوئیه	۴۱۹۷۹	۷۵۵۵	۳۴۴۲۴	۰
بم	۱۹۵۶۰۳	۱۲۵۷۶۴	۶۹۰۳۸	۸۰۱
جیرفت	۲۷۷۷۴۸	۱۲۱۹۸۸	۱۵۵۷۶۰	۰
رودبار جنوب	۱۰۴۴۲۱	۱۲۲۲۳	۹۲۱۹۸	۰
ریگان	۶۶۳۳۵	۹۶۶۴	۵۶۶۷۱	۰
عنبرآباد	۸۵۹۴۲	۲۵۳۹۷	۶۰۵۴۵	۰
فاریاب	۳۴۴۱۷	۶۰۲۵	۲۸۳۹۲	۰
فهرج	۶۸۰۳۸	۱۱۹۳۹	۵۵۲۸۹	۸۱۰
قلعه گنج	۷۶۳۷۶	۱۲۶۶۳	۶۳۷۱۳	۰
کهنوج	۸۶۲۹۰	۴۳۹۷۷	۴۲۳۱۳	۰
منوجان	۶۴۵۲۸	۱۹۵۷۰	۴۴۹۵۸	۰
نورماشیر	۵۸۲۲۹	۸۲۱۶	۵۰۰۱۳	۰
کل	۱۱۵۹۹۰۶	۴۰۴۹۸۱	۷۵۳۳۱۴	

یافته‌ها نشان می‌دهد؛ مردم در مورد جایگاه و عملکرد معتمدین چنین اعتقاداتی داشتند:

۱- ما همانطور که به معتمد خود احترام می‌گذاریم به معتمد دیگر طوایف و فامیل‌ها نیز

احترام قائلیم، ۲- معتمد باید همیشه در منطقه ساکن باشد، به زندگی مردم آگاه باشد و ارتباط قوی با همه مردم داشته باشد، ۳- اگر معتمدین با سازمان‌ها و قوانین دولتی همکاری کنند مسئله عادلانه‌تر و زودتر حل می‌شود، ۴- معتمدین و ریش‌سفیدان به کمک قوانین محلی سعی می‌کنند مسائل را با روش نرم حل کنند لذا قابلیت دارند امنیت پایدار را برای امروز و فردا تأمین نمایند، ۵- آموزش و آگاهی افراد ابزاری است که می‌تواند برای همیشه به درگیری‌ها پایان دهد، ۶- روسای طوایف و فامیل‌ها می‌توانند به مثابه پل ارتباطی قوی میان مردم و دولت عمل کنند و روابط دولت و مردم را تسهیل و تقویت کنند، ۷- روسای طوایف و فامیل‌ها می‌توانند احترام به قوانین رسمی و دولتی را در ذهن خود بگنجانند، ۸- طرفین چون احساس می‌کنند معتمدین از جنس خودشان هستند نقش میانجی آن‌ها را می‌پذیرند، ۹- بهتر است معتمد، فردی با سن متوسط به بالا، و با مدرک دانشگاهی باشد، ۱۰- چون مردم احساس می‌کنند معتمدین خیرخواهانه عمل می‌کنند آن‌ها را به عنوان میانجی می‌پذیرند، ۱۱- بروز رفتار خشن و یا تنبیه از سوی نیروی انتظامی نسبت به یکی از طرفین معمولاً باعث ایجاد کینه، و از سرگیری نزاع می‌شود.

چون مردم احساس می‌کنند معتمدین خیرخواهانه عمل می‌کنند آن‌ها را به عنوان میانجی می‌پذیرند مخالف بوده‌اند. در تائید نظرات مردم جنوب کرمان، اسفندیار غفاری- نسب و علی‌اصغر مقدسی (۱۳۸۳)، رابطه‌ء بین سنت و مدرنیته در طایفه دهمدار را از دیدگاه‌هایی همچون مدرنیته پیوندی و بازاندیشانه، و جهان- محلی شدن مورد بررسی قرار دادند و مطرح کردند که ارزش‌های متعلق به فرهنگ بومی نه تنها از میان نرفته‌اند، بلکه همچنان به حیات خود ادامه داده و با ارزش‌های مدرن درآمیخته و ترکیبی پدید آورده‌اند که برخی آن را فرافرننگ می‌نامند، عادل و فرزین (۱۳۸۹) بیان می‌دارد که ساخت اجتماعی عشیره‌ای و قوم‌گرایی، و تعصبات طایفه‌ای در سطح استان وجود دارد،



نظام کدخدامنشی که به طور سنتی کارکرد مهمی در حل مسایل اجتماعی جامعه ایران داشته است، در شرایط فعلی نیز می‌تواند نظامی کارکردی تلقی گردد و مبنای این شیوه را جلب مشارکت اقشار ذی‌نفوذ مردم و گروه‌های مرجع برای حل و فصل مراعات و تعارض‌های اجتماعی می‌داند، حسینی سوق و همکاران (۱۳۸۷) عناصر ذی‌نفوذ فامیل، تیره یا طایفه و ایل را تحت عنوان میانجی‌گر؛ از مهم‌ترین عوامل ایجاد آرامش و امنیت برشمرده است، حیدری و همکاران (۱۳۸۶)، افراد معتمد و ریش‌سفید طوایف را یکی از مهم‌ترین عوامل مرتبط با نزاع‌های دسته‌جمعی دانسته است.

نتایج تحقیق نشان داد ساختار طوایف و فامیل‌ها در حال باز تولید است بگونه‌ای که در بخش زیادی از منطقه ساختار طایفه‌ای کمرنگ شده در حالیکه در بخشی دیگر همواره پررنگ است. در عین حال تأثیرات ساختار طایفه‌ای در ابعاد سیاسی و اجتماعی در کل منطقه آشکار است. نتایج حاصل از تحلیل‌های کیفی نیز نشان داد عوامل مرتبط با عملکرد نیروی انتظامی و قضایی، و ضعف ارزش‌های اجتماعی مهم‌ترین عوامل موثر بر وقوع ناامنی و درگیری در منطقه هستند. احیای شیوه‌های سنتی تأمین امنیت در قالب نهادسازی جدید، موثرترین روش کنترل درگیرهای جمعی در منطقه جنوب شرق کرمان است.

### بحث و نتیجه‌گیری

کشور ما ایران از تغییرات گذر سنت به مدرنیته دور نمانده است و از فضای سنت خود کنده شده و به سوی مدرن حرکت می‌کند. در این راستا بسیاری از مؤلفه‌های سنتی خود را حفظ کرده و بسیاری از مؤلفه‌های مدرن را نیز فرا گرفته است و این در حالی است که استان کرمان و به خصوص جنوب آن از این تغییرات جدا نیست و نسبت به قبل از انقلاب اسلامی ایران نیز تغییرات شگرفی داشته است. که می‌توان به سیر عظیم مهاجرت از روستاها به شهرها و همچنین ایجاد شهرهای جدید در این استان اشاره کرد؛ ولی با همه

این تفاسیر هنوز در جنوب استان کرمان خیلی از سنت‌های گذشته پا برجا است و هنوز در خیلی مناطق سیستم پدرسالارانه و ریش‌سفیدی حکم‌فرمایی می‌کند.

این پژوهش ضمن بررسی تاریخچه‌ای از ساختار حکومت استبداد شرقی در ایران و یا پاتریمونالیسم با تاکید بر دو جنبه تمرکز اداری و بروکراسی مرکزی (پایتختی) و ارتش حرفه‌ای و ملی به استناد آثار اندیشمندان بزرگی چون دکتر محمدعلی کاتوزیان، حسین بشیریه، یرواند آبراهامیان و ... اشاره شده است. لازم به ذکر است که چنین دیدگاهی در فرهنگ سیاسی همچنان رایج است. سپس جایگاه حقوق اقوام و اقلیت‌ها را در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، گفته‌های مسئولان و به مبحث حقوق گروه‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی مختلف جهانی شدن در قرن ۲۱ که اکنون اهمیت زیادی یافته، اشاره شود.

برای درک بهتر موضوع با نگاهی به جامعه آماری مورد مطالعه این تحقیق (جنوب استان کرمان)، بایستی بدانیم که ساختار اجتماعی و طبقات در این ناحیه از استان کرمان چگونه است. بر همین اساس بر اساس آخرین سرشماری انجام شده در آبان سال ۱۳۹۰ جنوب استان کرمان با مساحتی بالغ بر ۶۷/۱۱۰/۶۵ کیلومتر مربع ۳۵/۴۸ درصد از خاک استان کرمان را با دوازده شهرستان به خود اختصاص می‌دهد. جنوب استان کرمان با ۲۶ بخش نزدیک به ۴۴/۸ درصد از بخش‌های استان کرمان و همچنین با دارا بودن ۶۵ دهستان نزدیک به ۴۳ درصد از دهستان‌های استان کرمان را تشکیل می‌دهد. از طرفی جمعیت جنوب استان کرمان بالغ بر ۱,۱۵۹,۹۰۶ نفر است که از این جمعیت نزدیک به ۴۰۴,۹۸۱ نفر در شهرها و تعداد ۷۵۳,۳۱۴ در نقاط روستایی ساکن هستند. با کمی دقت در می‌یابیم که نزدیک به ۶۴/۹ درصد جمعیت جنوب استان کرمان در بخش روستایی زندگی می‌کنند. بالطبع در مناطقی که تعداد افراد روستا نشین بیشتر باشد نظام سستی در آن

مناطق رنگ و بوی بیشتری دارد؛ ولی به معنای مطلق نیست. در محدوده استان حدود ۴۰ ایل، ۳۰۰ طایفه و ۲۳۰ تیره کوچرو در پیرامون شهرستان‌های کهنوج، بافت، سیرجان، جیرفت و بم به سر می‌برند که عمدتاً از طریق دامداری امرار معاش می‌نمایند (راهنمای مدیریت انتظامی استان کرمان، ۱۳۹۱، ۴۵-۲۳). بر اساس آخرین برآوردهای اطلاعاتی صورت گرفته در سال ۱۳۸۹ تعداد کل جمعیت طوایف استان کرمان به صورت تقریبی ۴۲۰ هزار نفر است. طایفه شله‌لی بر (با ۷۵ هزار نفر جمعیت)، طایفه کوهشاهی (با ۱۵ هزار نفر جمعیت) و طایفه سابکی با (۳۵ هزار نفر جمعیت) پرجمعیت‌ترین طوایف استان کرمان هستند. از مهم‌ترین ایل‌های این استان می‌توان ایل‌های جاویدان، گچیمی، افشار، بچاقچی، پشت‌کوهی، رلینی، لری، آینه‌ای، خراسانی، لرد کوهینجی، غربا، قرایی، کودری، مهنی، آسیابر، راهی‌بارچی، جبال‌بارزی، جرجندی، شهیکی، جلالی، رودباری، حوت سرحدی و رمشکی، نوشادی، بزسفید، سرحدی، شهریاری، پشموکی، طیاری، مارزی، نمدادی، مجازی، کماچی، سلیمانی، ملایی و توریکی را نام برد.

بررسی اولیه ساختارهای طایفه‌ای در منطقه جنوب کرمان، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که در گذشته، معتمدین طایفه‌ای در سطح بسیار بالایی قابلیت و توانمندی خود را در تأمین امنیت درون و برون طایفه‌ای نشان داده‌اند بگونه‌ای که توانسته‌اند نقش نهادهای جدید امنیتی - قضایی را همراه با کارایی، و اثربخشی زیاد برعهده گیرند. در گذشته، توجه به پاسداری از ارزش‌های طایفه‌ای و انسانی، نه تنها مردم را از انجام حرکات و رفتارهای نابهنجار باز می‌داشت بلکه آن‌ها را در مقابل حرکات ناشایست دیگر افراد طایفه، مسئول و موظف می‌کرد. همچنین، از سویی دیگر جنبه‌های منفی ساختار طایفه‌ای شامل تعصب، نزاع‌گرایی، و قابل بررسی است؛ بگونه‌ای که به اعتقاد برخی محققان، امروزه آثار و جنبه‌های مثبت ساختارهای طایفه‌ای رنگ باخته و تنها اثرات و جنبه‌های منفی ساختارهای

طایفه‌ای - قومی خود نمایی می‌کند. یافته‌های عینی که از طریق بزرگان محلی و خود معتمدین بدست آمد حکایت از احیای مجدد نظام معتمدی در منطقه دارد. طبق مصاحبه‌های انجام شده، مسئولین دولتی و محلی اذعان داشتند که احیای جایگاه معتمدین امری ضروری است زیرا می‌تواند مسائل را با کمترین هزینه و با بهترین نتیجه ممکن حل کند. ضمن اینکه معتمدین می‌توانند همکاران مورد اعتماد، با صداقت و فعالی برای مسئولین دولتی باشند که هم منافع طرفین درگیری‌ها را دنبال می‌کنند و هم دولت را در تأمین امنیت پایدار همکاری می‌کنند. یافته‌های، نیز نشان داد تصورات مردم در مورد جایگاه معتمدین مطلوب است و عمدتاً موافق احیای نظام طایفه‌ای هستند بشرطی که در انتخاب معتمدین؛ معیارهایی چون ایمان و صداقت، توانمندی و آگاهی به قوانین جدید، صلاحیت، جذب، تواضع، نجابت و مردم‌داری تا حد ممکن رعایت شود. مردم عمدتاً تأکید داشتند که فرزندان معتمدین سابق به دلایلی چون توانمندی اقتصادی، مردم‌داری و آشنایی به شرایط مردم و منطقه، نجابت و اصالت، و وجهه مناسب‌تر بین مردم؛ باید در اولویت انتخاب باشند. البته عده‌ی کمی از مردم نیز، معتمدین را بدون قید و شرط قبول داشتند. عده کمی نیز مخالف احیای نظام معتمدی بودند و آن را با توجه به شرایط اقتصادی - اجتماعی امروز امری منسوخ می‌دانستند که دیر یا زود به تاریخ سپرده می‌شود. استدلال و برداشت این گروه این بود که مسئولان دولتی مانند آفتابی بر سر همه مردم هستند که همه را با یک چشم نگاه می‌کنند و زمینه تبعیض و جانبداری وجود ندارد اما معتمدین بین مردم تبعیض قائل می‌شوند. در مجموع، تحقیق حاضر به این نتیجه رسید که نقش و عملکرد هر دو بخش دولتی (نیروهای انتظامی و قضایی) و محلی (معتمدین و بزرگان محلی) در زمینه تأمین امنیت منطقه بسیار اساسی است و این دو بخش می‌توانند به عنوان دو بازوی مکمل یکدیگر عمل کنند.

اگر چه مسائل ناامنی در جنوب کرمان علل و ریشه‌های متفاوتی دارد، ساختاری پیچیده دارد، و مدیریت آن سخت و پرهزینه است اما با این وجود فرصت‌ها و پتانسیل‌های بسیار مناسبی برای حل چنین مسائلی در منطقه وجود دارد. یکی از این فرصت‌ها وجود ساختارهای اجتماعی به نام ساختار طایفه‌ای - فامیلی و بقایای نظام ریش سفیدی در منطقه است. نظام معتمدی که تاکنون نقش زیادی در کنترل امنیت چنین فضاهای جغرافیایی داشته است امروزه در معرض تحولاتی قرار گرفته است. یکی از موضوعاتی که در این زمینه بسیار مهم به نظر می‌رسد و بررسی آن ضروری است نقش معتمدین محلی در پیشگیری، کنترل و حل این نزاع‌ها است.

در دوره‌ی پس از انقلاب و با کنار رفتن کدخدایان ساختار مدیریت محلی مناطق روستایی و عشایری دچار دگرگونی اساسی شد و نهادهای انقلابی و شوراهای اسلامی جایگزین مناسبات پیش از انقلاب شدند. مجموعه عواملی؛ مدیریت ریش سفیدان در امنیت را دستخوش دگرگونی نمود و تا حد زیادی از نفوذ آن‌ها در مدیریت نزاع‌های محلی کاسته شد که از آن جمله می‌توان به تفکیک و تمایز در ساختارهای اجتماعی و سیاسی، جایگزینی نهادهای مدرن به جای نهادهای محلی و سنتی، افزایش سطح تحصیلات، تحول در نظام‌های بهره‌برداری، برون‌گرایی مکانی و مهاجرت به مناطق شهری، گسترش فناوری‌های ارتباطی و تحول در نظام قشربندی سنتی اشاره کرد. البته این تحول در همه‌ی مناطق کشور یکسان نبوده است.

بر همین اساس با توجه به کمرنگ شدن جایگاه بزرگان و ریش سفیدان در جنوب استان کرمان نسبت به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و جایگزین کردن نظام شوراها به جای جایگاه بزرگان و ریش سفیدان می‌توان به این نتیجه دست یافت که نظام شوراها در همه مناطق جوابگو نیست و احتیاج به یکسری اصلاحات در قانون دارد به طوری که

مشروعیت بزرگان و ریش سفیدان نسبت به قبل از انقلاب کم‌رنگ‌تر شده و در کنار آن نیز نظام شوراها در مناطق روستای و قومی و قبیله‌ای نتوانست آن گونه مشروعیت کسب کند و در این خلاء بی‌مشروعیتی بین ریش سفیدان و نظام شوراها در جنوب استان کرمان به خصوص در مناطقی که اهل تسنن حضور دارند روز به روز بر جایگاه مولوی‌ها (بزرگان اهل تسنن) افزوده شود و دیدگاه امنیتی آن‌ها با بزرگان و ریش سفیدان به مراتب متفاوت‌تر و در برخی موارد حاضر به همکاری با دستگاه‌های قضایی و امنیتی نیستند و این امر به خودی خود در درازمدت باعث بروز ناامنی به مراتب از وضع کنونی می‌شود و بهترین پیشنهاد برای جلوگیری از این وضعیت بازسازی مجدد جایگاه بزرگان و ریش سفیدان در این گونه مناطق است.

## منابع

- ازغندی، علیرضا، (۱۳۸۹): درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، چ دوم، انتشارات قومس.
- احمدی، حمید. (۱۳۷۸): قومیت و قوم‌گرایی در ایران، تهران: انتشارات نی.
- بی‌نا، (۱۳۷۹): فصلنامه مطالعات ملی / میزگرد، سال دوم، پاییز ۱۳۷۹.
- پیروز، پوریا. (۱۳۷۱). موانع توسعه در ایران، برخی عوامل تاریخی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ششم، شماره‌های هفتم و هشتم، ۱۳۷۱.
- جلالی‌پور، حمید رضا. (۱۳۸۰): جهانی شدن و جنبش‌های قومی با تأکید بر جنبش کردی در ایران، روزنامه نوروژ، سوم بهمن، ۱۳۸۰.
- خوان‌لینز و هوشنگ شهابی، (۱۳۸۰): نظام‌های سلطانی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نشر و پژوهش شیرازه.
- رحمت‌الهی، حسین. (۱۳۸۴): جهانی شدن و تأثیر آن بر هویت‌های قومی و ملی، فصلنامه اندیشه‌های حقوقی، سال سوم، شماره هشتم، بهار و تابستان ۸۴، ص ۹۱ - ۱۱۱.
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۸۴): ایران و جهانی شدن، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- کاتوزیان، محمدعلی (همايون). (۱۳۷۲): اقتصاد سیاسی ایران (از مشروطیت تا پایان سلسله‌ی پهلوی) ترجمه‌ی محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، چ ۲، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲، ص ۶۳.
- کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۷۳): نظام استبداد ایرانی، پای بر زمین، وابسته به هوا و آب، پیام امروز، ش ۱، خرداد و تیر ۱۳۷۳، ص ۴۸ - ۴۹.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۳): جهانی شدن فرهنگ و هویت، انتشارات نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۳، ص ۲۰.

- مقصودی، مجتبی. (۱۳۸۰)؛ تحولات قومی در ایران، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- منتسکیو، روح‌القوانین. (۱۳۶۲)؛ ترجمه‌ی علی‌اکبر مهدی، تهران، امیرکبیر.
- نادریپور، بابک. (۱۳۸۲)؛ جهانی شدن، بیم‌ها و امی‌ها، تهران: انتشارات حدیث امروز.
- محمدعلی ازغندی، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سایت دانش سیاسی اسلام.